در نشست روابط خارجی ایران با بازیگران نظم بین‌الملل مطرح شد

زنگه‌زور در بلندمدت به‌ضرر روس‌هاست

انجمن علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه تهران نشستی را با عنوان «روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با بازیگران نظم بین‌الملل چین، روسیه و ترکیه» برگزار کرده است. بخش چین این نشست پیش از این در «فرهیختگان» منتشر شد. در ادامه متن ارائه احسان موحدیان، کارشناس مسائل قفقاز و رحمان حریری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه رازی کرمانشاه را ازنظر می‌گذرانید.

احسان موحدیان
کارشناس مسائل قفقاز

بحث را با نگاه ایران در حوزه سیاست خارجی روسیه آغاز می‌کنم. مسائل و جزئیات زیادی وجود دارند که می‌توان در مورد رابطه ۴۰ ساله گذشته مطرح کرد. با توجه به رویدادهایی که در منطقه شاهدیم (شهادت سیدحسن نصرالله عزیز و تبعاتش برای ایران، بحثم را طرح می‌کنم. اکنون با توجه به رویدادهای منطقه‌ای، این احتمال وجود دارد که جمهوریت‌ها بتوانند در حوزه قفقاز و به‌ویژه از جانب باکو شیطنت‌هایی را علیه ایران انجام دهند و از آنجا اقداماتی صورت دهند. از طرف دیگر با توجه به نفوذ روسیه در این منطقه و نقش آفرینی روسیه در منطقه قفقاز، این منطقه در بحث ما اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بعد از مقدمه کوتاهی ترجیح می‌دهم، تمرکزم را بر نگاه ایران بر سیاست خارجی منطقه قفقاز بگذارم. در این حوزه متمرکز می‌شوم. چون فکر می‌کنم بحث‌هایی که ما طرح می‌کنیم باید مطابق با رویدادهای روز باشند. درخصوص اینکه سیاست خارجی ایران با روسیه به چه صورت است می‌توان بحث‌های مفصلی را مطرح کرد. فکر می‌کنم در این مقطع زمانی بحث در این زمینه ضرورت بیشتری داشته باشد. اگر بخواهیم در مورد سابقه روابط بین‌الملل صحبت کنیم، سوابق در این منطقه از قرارداد ترکمنچای و گلستان آغاز می‌شود و تا رفتاری که روس‌ها با ما در جنگ‌های جهانی داشتند، ادامه پیدا می‌کند. قراردادهای نفتی که می‌خواستند پس از جنگ جهانی دوم با ایران ببندند و ایران را استثمار کنند؛ پس از آن هم تلاششان برای جداکردن برخی استان‌های ایران و بعد از آن هم برای ما نگرانی از دست‌اندازی روس‌ها به آب‌های خلیج‌فارس بوده، همه خاطراتی است که از تاریخ رابطه با روسیه به یاد می‌آوریم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چهره ضدآمریکایی و ضدامپریالیستی‌ای که انقلاب اسلامی داشت، جاذبه هایی را برای روس‌ها ایجاد کرد. در اواخر دهه ۸۰ هم روابطی بین دوطرف شکل گرفت که این روابط متناسب با نگاه حاکمان روسیه به ایران بالا و پایین می‌شد. زمان هایی بوده که روس‌ها فکر می‌کردند می‌توانند با غرب کار کنند و روابطشان را با ایران کمتر می‌کردند. برهه‌هایی هم که می‌دیدند غرب از آنان روی برمی‌گردانند، به‌صورت تاکتیکی رابطه‌شان را با ایران تقویت می‌کردند. این چیزی است که ما شاهد بودیم. تا مقطع جنگ اوکراین که شاید سرنوشت این جنگ تعیین‌کننده و چرخش اساسی در روابط ایران و روسیه باشد. باید به این هم توجه کنیم که در سال‌های ابتدایی جنگ اوکراین که شاید سرنوشت این جنگ تعیین‌کننده و چرخش اساسی در روابط ایران و روسیه باشد. باید به این هم توجه کنیم که در روسیه لابی‌های متنوع و قدرتمندی وجود دارند. لابی‌هایی که وابسته به غربند، وابسته به ترکیه‌اند، وابسته به رژیم صهیونیستی‌اند. ایران‌ها در سطوح مختلف دستگاه سیاست خارجی روسیه حضور قدرتمندانه‌ای دارند. اینکه حالا این روابط روابط ایران با روسیه را به چشم یک رابطه راهبردی تبدیل نگاه کنند، من فکر نمی‌کنم در کوتاه مدت اتفاق بیفتد.

در هر حال تشدید رویکرد جمهوری اسلامی ایران به غرب نسبت به روس‌ها و دولت پوتین که اینها هیچ وقت تمدن روس‌ها را به عنوان تمدنی که بتوان با آن همکاری کرد و متحد تمدن غربی باشد، نپذیرفتند. این چیزی است که روس‌ها نمی‌توانستند هضم کنند و درک این مسئله برایشان سخت بود. اما پوتین یک پا و دو سال پیش رسماً ذهنش کرد ما هرچه در اروپای شرقی، بالکان و بالتیک کاری کرده آمدیم، ناتو را گسترش دادند و ناتو به اوکراین رسیده و ما مجبوریم به مقابله نظامی فکر دابم. به هر حال روسیه یک کشور از همسایگان مهم سیاست خارجی ما در حوزه بین‌المللی است. دوطرف هر دو در سازمان‌های قومی و بین‌المللی و شورای امنیت با هم همکاری دارند. در حوزه منطقه‌ای نیز همکاری دارند.

منافع مشترکی طرفین در حوزه همکاری‌های راهبردی و نظامی برای جلوگیری پیشرفت ناتو به شرق و مقابله با حضور آمریکا در منطقه، حضور نظامی در کشورهایی که در آنها بناست مقابله با نفوذ غرب و تورپیسم صورت گیرد -مانند سوریه- و انجام رزمایش‌های مشترک مسائلی است که وجود دارد اما واقعیتی که باید به آن اذعان کرد از نظر جبهه‌هایی است که همکاری دو طرف راسخت می‌کند، یک جنبه مرا جرائگرایی است که روسیه به ایران دارد؛ نگاه همکاری‌های مرکزی روسیه و ایران تاکتیکی است. مسکو یک رابطه راهبردی با ایران تعریف نمی‌کند و این را ما می‌بینیم. علت امسئله این است که روس‌ها برای خیلی از مشکلاتشان در مسائل مختلف رابطه‌ایجاد می‌کنند. از جمله تلاشی گسترش ناتو و نفوذ غرب به منطقه قفقاز و آسیای مرکزی. آنها برای مقابله مجبور شدند به تاکتیک‌هایی که در کوتاه‌مدت برای مقابله‌شان با این رفتارهای تاکتیکی شاید در کوتاه‌مدت یک مشکل را به‌صورت محدود برایشان حل کرده باشد که خیلی‌وقت‌ها هم حل نکرده، اما باعث شده ایران را ناراضی کنند و از خودشان برانند. غیر از این نگاه تاکتیکی کوتاه‌مدتی که روس‌ها به ایران داشتند، عدم همپوشانی نیازهای اقتصادی دو کشور هم مطرح است. یعنی درواقع اقتصادهای ایران و روسیه به یکدیگر وابسته و مکمل هم نیستند. دو کشور بیشتر در حوزه صادرات انرژی نفت، گاز و انرژی‌های خام از نظر صادراتی کار می‌کنند. این مسئله مقداری رقابت را میان‌شان ایجاد می‌کند. البته تلاش هایی در حال انجام است که این برای خیلی جاها حل این مشکل شده، حالا شرایط خاص جغرافیایی روسیه، تحریم این کشور و بسته شدن مسیرهای کریدور روسیه برای انتقال کالا و ارتباق تا حدی توانسته مشکل را حل کند، ولی چون ایران زیرساخت‌های لازم را ایجاد نکرده، هنوز مشکلاتی در این زمینه باقی مانده است.

غرب برای روسیه هم دشمن باقی خواهد ماند؟

تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی هم بین دو کشور وجود دارد. از آن طرف مسائلی هم که آیا درنهایت روسیه هم قرار است مثل ایران، غرب را یک دشمن پایان‌ناپذیر بداند یا نه؟ ممکن است علی‌رغم اتفاقات جنگ اوکراین، شرایط به گونه‌ای پیش‌برود که باز هم روسیه بخواهد با غرب کار کند؛ از آن طرف هم باز ما باید توجه کنیم که ایران دوست نداریم به ایران جاه‌زنی روسیه در مقابل واشنگتن تبدیل شود. روس‌ها هم مشخص نیست چه مقدار علاقه دارند که به میدان جنگ ایران مقابل آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن ورود کنند. به هر حال اینها سوالاتی است که برای تحلیل رابطه ایران و روسیه باید به آن پرداخته شود. بهتر است سر بحث اصلی خودم بروم و تمرکزم را بر نگاه ایران به روسیه ناظر به سیاست خارجی در منطقه قفقاز بگذارم.

دشمن دانیم دوستان تا چه حد مسائل را تعقیب می‌کنند، ما بعد از جنگ به نام کرد را به‌رسمیت نمی‌شناسد. آنها را به نام ترک کوهی صدا می‌زنند و اصلاً زبان و هویتشان را انکار می‌کنند. از کلمه کوردستان استفاده نمی‌کنند و به‌شدت نسبت به آن حساسند. حتی در مورد عراق و سوریه هم اکراه دارند از کلمه کوردستان استفاده کنند. در عراق می‌گویند شمال عراق و برای سوریه هم می‌گویند شمال سوریه. سیاست‌های پان‌ترکی بسیار شدیدی در مقابل کردها در ترکیه از زمان آتاترک بوده، اما در ایران این قضیه کاملاً متفاوت است؛ کردها بخشی از تمدن و هویت ایرانی بوده و هستند. سنخیت مسئله متفاوت است. منتها نگرانی‌هایی در مورد احزاب کرد مخالف جمهوری اسلامی در ایران وجود دارد. لذا درباره مسئله کردها، ترکیه به‌شدت نیازمند همگرایی ایران است که موجودیتی به نام کشور یا منطقه خودمختار کردی در عراق و سوریه شکل بگیرد و ترکیه تحت‌تأثیر قرار نگیرد. در زمینه‌های دیگر که مایین دو کشور تضاد بوده مدیریت شده است. ترکیه سعی کرده در موازنه قوا با ایران در عین تضاد همگرایی را حفظ کند.

به نظر من سیاست ایران در قبال ترکیه ترکیبی از رقابت و عمل‌گرایی و همکاری است چون رقابت منطقه‌ای همچون یک ویژگی تعیین‌کننده در سیاست ایران است ولی ایران یک سیاست عمل‌گرایانه‌ای را در مقابل ترکیه اتخاذ کرده که مبنی بر همکاری اقتصادی، تعامل دیپلماتیک و مدیریت مناطق مورد درگیری است که این رویکرد نشان می‌دهد تمایل ایران برای حفظ ثبات و دورزدن انزوای بین‌المللی تحریم‌ها برای این است که اطمینان حاصل کند ترکیه دشمن منطقه‌ای است و به دشمن منطقه‌ای قاطع تبدیل نشود و روابط خود را با ترکیه مدیریت کرده تا در حوزه‌هایی که همپوشانی دارند، نزدیک شوند و روابط را مدیریت کنند. در بین چالش‌هایی که ایران و ترکیه با هم دارند چالش‌های جدی در کنالل زنگه‌زور است و فکر می‌کنم ضربه به امنیت ملی ایران است. باید مثل بحران‌های دیگر دو کشور بتوانند کنار بیایند و به راهکار ایران و ترکیه که به آذربایجان پیشنهاد داده‌اند عمل کنند و کریدور از خاک ایران رد شود که با مدیریت ایران باشد و ایران اجازه دهد نخجوان به آذربایجان وصل شود ولی با مدیریت ایران باشد. مثلاً‌ولی زنه شود و این پل تحت مدیریت ایران و از خاک ایران باشد. هر چند فقط آذربایجانی و ترکیه قبول نکرده اما واقعاً خیلی خطرناک است و ترکیه هم ارمنستان را به اقدام نظامی تهدید می‌کند که این می‌تواند برای امنیت ملی و منافع ملی ما خطرناک باشد. هرچند با این اختلافات و حساسیت موضوع، ایران و ترکیه توانسته‌اند رقابت‌های خود را مدیریت کنند.

کردها فصل مشترک ایران و ترکیه

یک عامل اساسی که اجازه نمی‌دهد کریدور از حالت یک رقیب منطقه‌ای به دشمن منطقه‌ای تبدیل شود مسئله کردهاست. این مسئله به ترکیه برمی‌گردد که به شدت در این زمینه ضعف دارد و ایران هم در مقاطعی به خاطر اینکه لائیک‌ها و سکولارهای طرفدار رژیم صهیونیستی را کنترل کند، تقریباً دست روی این پاشنه آشیل گذاشت و منجر به این شد که ترکیه امتیازات و تعامل لازم را با ایران داشته باشد. اما این هم نقاط ضعفی دارد و ترکیه فعلاً در این مقطع با مسائل دیپلماتیک موضوع را پیگیری می‌کند و پای روسیه و سایر کشورها را نیز وسط آورده است. همانطور که اشاره کردم رابطه دو کشور یک مجموعی از اختلافات مختلف است که تا الان مدیریت شده است.

رحمان حریری
عضو هیئت‌علمی دانشگاه رازی کرمانشاه

واقعیت امروز جهان معاصر همواره تلاش داشته ایران را محاب کند علیه کردها در منطقه هماهنگی‌هایی با ترکیه داشته باشد. من معتقدم سنخیت مسئله کردها در منطقه، میان ایران و ترکیه اصلاً یکی نیست. به هرحال کردها در ترکیه از یک نژاد دیگری متفاوت از نژاد ترکند. در ایران اما کردها، ایرانی‌اند. بر اساس ریشه، آنها بخشی از ملت بزرگ ایرانند و خواهند بود. به هرحال موقعیتی که در سیاست ترکیه اتفاق افتاده، این است که بعد از آنکه آمریکا در منطقه نفوذ کرده، بحث کردستان بزرگ در رسانه‌ها مطرح شد. البته خیلی‌ها هم می‌گویند شیطنت‌های رسانه‌های ترکی است که ایران به این سو برده است. تقریباً ترک‌ها خیلی خوب توانسته‌اند ترس و نگرانی‌شان را در مورد مسئله کردها به تهران منتقل کنند و آن را خودشان هم‌سو سازند. درحالی‌که ترکیه ۱۵ استان کردنشین دارد تقریباً بزرگ‌ترین پاشنه آشیل مسائل سیاست خارجی ترکیه مسئله کردهاست. یکی از ستون‌های سیاست خارجی ترکیه سرکوب کردها در هر جای جهان است. آنجا در قومیتی است ولی ایران چند قومیتی است. این مسائلی که در ترکیه بوده و شکاف فعالی که میان کردها و ترک‌هاست، ناشی از سیاست‌های نژادپرستانه آتاتورک است که چیزی نیست که انتظار نداریم بی‌معرفتی کند و همیشه توقع این است همراه شما باشد. در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دوست و دشمن دائمی نداریم، ما منافع دائمی داریم. یک زمان هایی با یک‌سری کشورها منافع مشترک است و در برخی حوزه‌ها منافع ما مشترک نیست. در بحث‌هایی که من و استادان داشتیم بدان اشاره شد. در مورد روسیه توضیح دادم که روسیه یک نگاه تاکتیکی به ما دارد، کوتاه‌مدت و ما در قالب همان نگاه تاکتیکی هماهنجایی که منافع ما اقتضا کرده کار کردیم. روسیه اگر در زمینه جزایر سگانه ظرف ما را نگرفته است، ناشی از این است که نگاه راهبردی به منافع خود ندارد و نمی‌تواند سود و زیان خود را درست محاسبه کند. این باعث می‌شود رفتارهای تاکتیکی کوتاه‌مدت سریع داشته باشد و نتیجه این است که برای منفعت اقتصادی کوتاه‌مدت به سمت مواضع امارات برود. ما هم در این شرایط مقابله به مثل کردیم که روسیه چنین رفتار نامناسبی داشته است ما نیز رفتار مناسب در موضع عملیاتی و هم در موضع‌گیری اعلائی داشتیم. باید تلاش کنیم روس‌ها را سر عقل بیاوریم و اگر اینچنین نشود ما باید از اهرم‌های فشاری که داریم علیه آن‌ها استفاده کنیم.

سیاست ایران در قبال ترکیه عمل‌گرایانه است نه ایدئولوژیک

بنیان دوم سیاست خارجی دو کشور بر اصل واگرایی ایدئولوژیک قرار دارد. همانطور که می‌دانید دو کشور به هر حال قبل از این دوران که ایدئولوژی اسلامی در تهران و سکولاریسم در ترکیه حاکم شود، به شدت انقلابیون ایران بعد از انقلاب اسلامی با دولت سکولار و حتی لائیک ترکیه در تضاد بودند. این تفاوت ایدئولوژیک بعضی مواقع خیلی شدید می‌شد؛ اما ایران سعی کرده که بر سر مسائل مشترک با آنکارا یک رویکرد مثبتی با بر اساس منافع عمل‌گرایانه‌ای در پیش گیرد. ایران در حوزه ترکیه تحت تأثیر مسائل ایدئولوژیک نیست و سیاست عمل‌گرایانه در پیش گرفته است. ذیل این محور چیزی که مسئله را تعدیل می‌کند، وابستگی متقابل اقتصادی در کشور به همدیگر است. علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک، رابطه ایران به عمل‌گرایی در مقابل ترکیه تأکید می‌کند. مخصوصاً در حوزه اقتصادی که ترکیه شریک تجاری ایران محسوب می‌شود به ویژه در حوزه انرژی، نفت، گاز و... هرچند روابط دو کشور در ایام تحریم‌های ظالمانه غرب علیه ایران دچار تحول شده است و ترکیه علی‌رغم همگرایی با ایران در نهان سعی کرده کریدورهای انرژی را از ایران دور نگه دارد و آن را به خزر انتقال دهد و ایران را دور بزند. البته این تحت نفوذ و نظر آمریکاست. طبیعی است که ترکیه عضو ناتو است و غربگرا محسوب می‌شود. تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا سعی کرده بازارهای انرژی و ترانزیتی ایران را دور بزند. ترکیه هم به عنوان یک بازار مهم و واردکننده انرژی، با وجود تحریم‌های بین‌المللی همچنان همکاری‌های اقتصادی خودش را با ایران حفظ کرده است. حتی حدس می‌زنم که در حوزه اسناتیوان یکی از لابی‌های تأمین دلار برای ایران باشد. کما اینکه سلیمانیه، استانبول، دبی و کابل همیشه در تعیین نرخ دلار در تهران مؤثر بوده‌اند چون کانال‌های تأمین ارز برای ایران محسوب می‌شوند. البته نقش دبی کاهش پیدا کرده اما دلخوری و استانبول تقریباً نقش خودشان را حفظ کرده‌اند که البته نقش کابل و سلیمانیه هم با روی کار آمدن طالبان و آشفتگی در عراق کاهش پیدا کرده است؛ اما جمع‌بندی این است که یکی از کانال‌های تأمین ارز در تهران ترکیه است. پس به همین دلیل وابستگی مقابل اقتصادی و سودآوری نصیب ترکیه می‌شود. حتی پارسال ایرانی‌ها نزدیک به ۹ میلیارد دلار در حوزه مسکن ترکیه سرمایه‌گذاری کردند. ترک‌ها برخی مواقع بازارها را دستکاری می‌کنند، قیمت‌ها را دستکاری و با قیمت بالاتری به ایرانی‌ها ملک می‌فروشند. پس از آنکار شوکه به مسکن نزدیق می‌کنند. در قیمت بالا به ما می‌فروشند و به قیمت پایین از ما می‌خرند. همین کار در بازار مسکن دبی بر سر ایرانی‌ها آمد. خیلی از ایرانی‌ها آنجا ورشکست شدند. ما باعث کمک به سرمایه ایرانی‌ها در حوزه مسکن ترکیه سرگردان است. اینها، همه و همه مواردی اند که باعث ادامه روابط ایران و ترکیه است. بحث توریسم هم تحت تأثیر سریال‌های ترکی که از اینها بعد از جنگ اوکراین شده، شدت گرفته است. این سال‌ها گردشگران ایران جذب استانبول و پل‌های تاریخی، کسرای خانه‌های ایرانی در آنجا و آزادی‌هایی که در استانبول است، شده‌اند و شاید زیادی هم در موضع‌گیری اعلائی داشتیم. باید تلاش کنیم روس‌ها را سر عقل بیاوریم و اگر اینچنین نشود ما باید از اهرم‌های فشاری که داریم علیه آن‌ها استفاده کنیم.

سیاست ایران در قبال ترکیه عمل‌گرایانه است نه ایدئولوژیک

بنیان دوم سیاست خارجی دو کشور بر اصل واگرایی ایدئولوژیک قرار دارد. همانطور که می‌دانید دو کشور به هر حال قبل از این دوران که ایدئولوژی اسلامی در تهران و سکولاریسم در ترکیه حاکم شود، به شدت انقلابیون ایران بعد از انقلاب اسلامی با دولت سکولار و حتی لائیک ترکیه در تضاد بودند. این تفاوت ایدئولوژیک بعضی مواقع خیلی شدید می‌شد؛ اما ایران سعی کرده که بر سر مسائل مشترک با آنکارا یک رویکرد مثبتی با بر اساس منافع عمل‌گرایانه‌ای در پیش گیرد. ایران در حوزه ترکیه تحت تأثیر مسائل ایدئولوژیک نیست و سیاست عمل‌گرایانه در پیش گرفته است. ذیل این محور چیزی که مسئله را تعدیل می‌کند، وابستگی متقابل اقتصادی در کشور به همدیگر است. علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک، رابطه ایران به عمل‌گرایی در مقابل ترکیه تأکید می‌کند. مخصوصاً در حوزه اقتصادی که ترکیه شریک تجاری ایران محسوب می‌شود به ویژه در حوزه انرژی، نفت، گاز و... هرچند روابط دو کشور در ایام تحریم‌های ظالمانه غرب علیه ایران دچار تحول شده است و ترکیه علی‌رغم همگرایی با ایران در نهان سعی کرده کریدورهای انرژی را از ایران دور نگه دارد و آن را به خزر انتقال دهد و ایران را دور بزند. البته این تحت نفوذ و نظر آمریکاست. طبیعی است که ترکیه عضو ناتو است و غربگرا محسوب می‌شود. تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا سعی کرده بازارهای انرژی و ترانزیتی ایران را دور بزند. ترکیه هم به عنوان یک بازار مهم و واردکننده انرژی، با وجود تحریم‌های بین‌المللی همچنان همکاری‌های اقتصادی خودش را با ایران حفظ کرده است. حتی حدس می‌زنم که در حوزه اسناتیوان یکی از لابی‌های تأمین دلار برای ایران باشد. کما اینکه سلیمانیه، استانبول، دبی و کابل همیشه در تعیین نرخ دلار در تهران مؤثر بوده‌اند چون کانال‌های تأمین ارز برای ایران محسوب می‌شوند. البته نقش دبی کاهش پیدا کرده اما دلخوری و استانبول تقریباً نقش خودشان را حفظ کرده‌اند که البته نقش کابل و سلیمانیه هم با روی کار آمدن طالبان و آشفتگی در عراق کاهش پیدا کرده است؛ اما جمع‌بندی این است که یکی از کانال‌های تأمین ارز در تهران ترکیه است. پس به همین دلیل وابستگی متقابل اقتصادی و سودآوری نصیب ترکیه می‌شود. حتی پارسال ایرانی‌ها نزدیک به ۹ میلیارد دلار در حوزه مسکن ترکیه سرمایه‌گذاری کردند. ترک‌ها برخی مواقع بازارها را دستکاری می‌کنند، قیمت‌ها را دستکاری و با قیمت بالاتری به ایرانی‌ها ملک می‌فروشند. پس از آنکار شوکه به مسکن نزدیق می‌کنند. در قیمت بالا به ما می‌فروشند و به قیمت پایین از ما می‌خرند. همین کار در بازار مسکن دبی بر سر ایرانی‌ها آمد. خیلی از ایرانی‌ها آنجا ورشکست شدند. ما باعث کمک به سرمایه ایرانی‌ها در حوزه مسکن ترکیه سرگردان است. اینها، همه و همه مواردی اند که باعث ادامه روابط ایران و ترکیه است. بحث توریسم هم تحت تأثیر سریال‌های ترکی که از اینها بعد از جنگ اوکراین شده، شدت گرفته است. این سال‌ها گردشگران ایران جذب استانبول و پل‌های تاریخی، کسرای خانه‌های ایرانی در آنجا و آزادی‌هایی که در استانبول است، شده‌اند و شاید زیادی هم در موضع‌گیری اعلائی داشتیم. باید تلاش کنیم روس‌ها را سر عقل بیاوریم و اگر اینچنین نشود ما باید از اهرم‌های فشاری که داریم علیه آن‌ها استفاده کنیم.

سیاست ایران در قبال ترکیه عمل‌گرایانه است نه ایدئولوژیک

بنیان دوم سیاست خارجی دو کشور بر اصل واگرایی ایدئولوژیک قرار دارد. همانطور که می‌دانید دو کشور به هر حال قبل از این دوران که ایدئولوژی اسلامی در تهران و سکولاریسم در ترکیه حاکم شود، به شدت انقلابیون ایران بعد از انقلاب اسلامی با دولت سکولار و حتی لائیک ترکیه در تضاد بودند. این تفاوت ایدئولوژیک بعضی مواقع خیلی شدید می‌شد؛ اما ایران سعی کرده که بر سر مسائل مشترک با آنکارا یک رویکرد مثبتی با بر اساس منافع عمل‌گرایانه‌ای در پیش گیرد. ایران در حوزه ترکیه تحت تأثیر مسائل ایدئولوژیک نیست و سیاست عمل‌گرایانه در پیش گرفته است. ذیل این محور چیزی که مسئله را تعدیل می‌کند، وابستگی متقابل اقتصادی در کشور به همدیگر است. علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک، رابطه ایران به عمل‌گرایی در مقابل ترکیه تأکید می‌کند. مخصوصاً در حوزه اقتصادی که ترکیه شریک تجاری ایران محسوب می‌شود به ویژه در حوزه انرژی، نفت، گاز و... هرچند روابط دو کشور در ایام تحریم‌های ظالمانه غرب علیه ایران دچار تحول شده است و ترکیه علی‌رغم همگرایی با ایران در نهان سعی کرده کریدورهای انرژی را از ایران دور نگه دارد و آن را به خزر انتقال دهد و ایران را دور بزند. البته این تحت نفوذ و نظر آمریکاست. طبیعی است که ترکیه عضو ناتو است و غربگرا محسوب می‌شود. تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا سعی کرده بازارهای انرژی و ترانزیتی ایران را دور بزند. ترکیه هم به عنوان یک بازار مهم و واردکننده انرژی، با وجود تحریم‌های بین‌المللی همچنان همکاری‌های اقتصادی خودش را با ایران حفظ کرده است. حتی حدس می‌زنم که در حوزه اسناتیوان یکی از لابی‌های تأمین دلار برای ایران باشد. کما اینکه سلیمانیه، استانبول، دبی و کابل همیشه در تعیین نرخ دلار در تهران مؤثر بوده‌اند چون کانال‌های تأمین ارز برای ایران محسوب می‌شوند. البته نقش دبی کاهش پیدا کرده اما دلخوری و استانبول تقریباً نقش خودشان را حفظ کرده‌اند که البته نقش کابل و سلیمانیه هم با روی کار آمدن طالبان و آشفتگی در عراق کاهش پیدا کرده است؛ اما جمع‌بندی این است که یکی از کانال‌های تأمین ارز در تهران ترکیه است. پس به همین دلیل وابستگی متقابل اقتصادی و سودآوری نصیب ترکیه می‌شود. حتی پارسال ایرانی‌ها نزدیک به ۹ میلیارد دلار در حوزه مسکن ترکیه سرمایه‌گذاری کردند. ترک‌ها برخی مواقع بازارها را دستکاری می‌کنند، قیمت‌ها را دستکاری و با قیمت بالاتری به ایرانی‌ها ملک می‌فروشند. پس از آنکار شوکه به مسکن نزدیق می‌کنند. در قیمت بالا به ما می‌فروشند و به قیمت پایین از ما می‌خرند. همین کار در بازار مسکن دبی بر سر ایرانی‌ها آمد. خیلی از ایرانی‌ها آنجا ورشکست شدند. ما باعث کمک به سرمایه ایرانی‌ها در حوزه مسکن ترکیه سرگردان است. اینها، همه و همه مواردی اند که باعث ادامه روابط ایران و ترکیه است. بحث توریسم هم تحت تأثیر سریال‌های ترکی که از اینها بعد از جنگ اوکراین شده، شدت گرفته است. این سال‌ها گردشگران ایران جذب استانبول و پل‌های تاریخی، کسرای خانه‌های ایرانی در آنجا و آزادی‌هایی که در استانبول است، شده‌اند و شاید زیادی هم در موضع‌گیری اعلائی داشتیم. باید تلاش کنیم روس‌ها را سر عقل بیاوریم و اگر اینچنین نشود ما باید از اهرم‌های فشاری که داریم علیه آن‌ها استفاده کنیم.

وکاشن ایران به تحریم‌ها مهم است

یک بعد دیگری که برای ایران در رابطه با ترکیه اهمیت دارد واکشن به تحریم‌های بین‌المللی است. همیشه برای ایران اهمیت دارد که ترکیه روبکرد منفی نسبت به این امر داشته و واکشن نشان داده و خیلی موافق تحریم‌ها نبوده است و این امر موجب شده هر یک از کشورها در رابطه با تحریم‌ها رقابت کنند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند. ترکیه هم مکانیسم‌های فرار همدیگر را کمک می‌کند. ایران در مبراث مشترک تجارت، در زدن تحریم‌ها و معاملات پایاپای که بیشتر ترکیه از این حالت نفع می‌برد. ایران و عربستان که اختلافات دیپلماتیک زیادی روی این بحث دارند. موضوع بعدی همکاری‌های اقتصادی-انرژی است. وابستگی متقابل انرژی حتی وابستگی ترکیه به گاز طبیعی ایران باعث شده این رابطه خوبی برقرار کرده است. ما هم باید رابطه خوبی برقرار کنیم. در پاکستان هم همینطور است. در کشورهای عربی هم تقریباً همینطور است. الان ترکیه در لابین ایدئولوژیک طرفدار اخوان‌المسلمین است و از حماس حمایت می‌کند. ما هم با فلسطین و حماس رابطه خوبی داریم. هر دو کشور در مسائل جهان اسلام در یک مسیرند؛ هرچند ترک‌ها به شدت در مسئله فلسطین کمتر عمل‌گرایند و ما نیز به شدت ایدئولوژیکیم. آن‌ها در حد حرف و مسائل دیپلماتیک سیاسی کفایت می‌کنند و همچنان رابطه تجاری خود را با رژیم صهیونیستی دارند ولی ما با صهیونیسم به شدت مشکل داریم و از فلسطین نیز حمایت کامل می‌کنیم. درست است به لحاظ ایدئولوژیک اینجا تنش‌هایی با هم داریم ولی در یک محوریم. قطر و ترکیه (محور اخوان‌المسلمین) و ایران در یک محور از مسئله فلسطین، غزه و حماس حمایت می‌کنند.

بعد دیگر در روابط خارجی دو کشور، ایجاد توازن در رابطه با قدرت‌های جهانی است. وقتی سیر رابطه با آمریکا و اتحادیه اروپا رانگاه کنید سیاست خارجی ایران در قبال ترکیه تقریباً تحت تأثیر روابط آنکارا با آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد. هر چقدر رابطه ترکیه با غرب بد می‌شود، تهران سعی می‌کند بیشتر ترکیه را به سمت خود جذب کند. هم ایران و هم ترکیه رابطه چند جانبه‌ای با روسیه در مورد سوریه و انرژی ایجاد کرده‌اند. به هر حال تهران به دقت رابطه مثلثی بین چین، ترکیه برقرار کرده و ترکیه نیز همینطور است، یعنی رابطه مثلثی با اروپا، روسیه و آمریکا ایجاد کرده است. هر دو کشور درصدد ایجاد توازن با قدرت‌های جهانی‌اند. دو اتیم دیگر مثل تعاملات دیپلماتیک جمهوری اسلامی در روابط دو کشور و چارت تعارض است و تقریباً درباره این صحبت کردم. مخصوصاً در مسائل کنونی معاصر تقریباً رویکرد ترکیه درباره مورد عوض شده است به سمت تعامل دیپلماتیک می‌رود. هر دو کشور به مدیریت بحران در سوریه روی آورده‌اند.

در عراق هم تقریباً همینطور است. در قفقاز جنوبی هم تقریباً همینطور.

در کانال زنگه‌زور هرچند ترکیه حرف خود را می‌زند اما الان تشانه‌هایی از تعامل دیپلماتیک بر سر این موضوع وجود دارد، یعنی هر دو کشور دنبال مدیریت تضادها و مدیریت بحران‌ها از طریق تعامل دیپلماتیک‌اند. یکی از پایه‌های دیگری که در روابط دو کشور مطرح به زیرشاخه ایدئولوژی است عامل فرهنگی- مذهبی است، یعنی قدرت نرم و پیوندهای فرهنگی است. علی‌رغم اختلافاتی که بین ایران شیعه و ترکیه سنی وجود دارد، سیاست خارجی ایران از رابطه تاریخی و مذهبی و فرهنگی خود برای حفظ رابطه با ترکیه استفاده می‌کند. مثل آنکارا. ایران بر مبراث مشترک اسلامی با پیوندهای تاریخی و مدیریت شکاف شیعه و سنی که ایران تلاش می‌کند این شکاف‌ها را مدیریت کند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند. ترکیه هم مکانیسم‌های فرار همدیگر را کمک می‌کند. ایران در مبراث مشترک تجارت، در زدن تحریم‌ها و معاملات پایاپای که بیشتر ترکیه از این حالت نفع می‌برد. ایران و عربستان که اختلافات دیپلماتیک زیادی روی این بحث دارند.

موضوع بعدی همکاری‌های اقتصادی-انرژی است. وابستگی متقابل انرژی حتی وابستگی ترکیه به گاز طبیعی ایران باعث شده این رابطه خوبی برقرار کرده است. ما هم باید رابطه خوبی برقرار کنیم. در پاکستان هم همینطور است. در کشورهای عربی هم تقریباً همینطور است. الان ترکیه در لابین ایدئولوژیک طرفدار اخوان‌المسلمین است و از حماس حمایت می‌کند. ما هم با فلسطین و حماس رابطه خوبی داریم. هر دو کشور در مسائل جهان اسلام در یک مسیرند؛ هرچند ترک‌ها به شدت در مسئله فلسطین کمتر عمل‌گرایند و ما نیز به شدت ایدئولوژیکیم. آن‌ها در حد حرف و مسائل دیپلماتیک سیاسی کفایت می‌کنند و همچنان رابطه تجاری خود را با رژیم صهیونیستی دارند ولی ما با صهیونیسم به شدت مشکل داریم و از فلسطین نیز حمایت کامل می‌کنیم. درست است به لحاظ ایدئولوژیک اینجا تنش‌هایی با هم داریم ولی در یک محوریم. قطر و ترکیه (محور اخوان‌المسلمین) و ایران در یک محور از مسئله فلسطین، غزه و حماس حمایت می‌کنند.

بعد دیگر در روابط خارجی دو کشور، ایجاد توازن در رابطه با قدرت‌های جهانی است. وقتی سیر رابطه با آمریکا و اتحادیه اروپا رانگاه کنید سیاست خارجی ایران در قبال ترکیه تقریباً تحت تأثیر روابط آنکارا با آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد. هر چقدر رابطه ترکیه با غرب بد می‌شود، تهران سعی می‌کند بیشتر ترکیه را به سمت خود جذب کند. هم ایران و هم ترکیه رابطه چند جانبه‌ای با روسیه در مورد سوریه و انرژی ایجاد کرده‌اند. به هر حال تهران به دقت رابطه مثلثی بین چین، ترکیه برقرار کرده و ترکیه نیز همینطور است، یعنی رابطه مثلثی با اروپا، روسیه و آمریکا ایجاد کرده است. هر دو کشور درصدد ایجاد توازن با قدرت‌های جهانی‌اند. دو اتیم دیگر مثل تعاملات دیپلماتیک جمهوری اسلامی در روابط دو کشور و چارت تعارض است و تقریباً درباره این صحبت کردم. مخصوصاً در مسائل کنونی معاصر تقریباً رویکرد ترکیه درباره مورد عوض شده است به سمت تعامل دیپلماتیک می‌رود. هر دو کشور به مدیریت بحران در سوریه روی آورده‌اند.

در عراق هم تقریباً همینطور است. در قفقاز جنوبی هم تقریباً همینطور.

در کانال زنگه‌زور هرچند ترکیه حرف خود را می‌زند اما الان تشانه‌هایی از تعامل دیپلماتیک بر سر این موضوع وجود دارد، یعنی هر دو کشور دنبال مدیریت تضادها و مدیریت بحران‌ها از طریق تعامل دیپلماتیک‌اند. یکی از پایه‌های دیگری که در روابط دو کشور مطرح به زیرشاخه ایدئولوژی است عامل فرهنگی- مذهبی است، یعنی قدرت نرم